**درس فقه، جلسه 23: 5/9/۱۳۹۹، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

اللهم کل ولیک الحجة ابن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا

یک مدتی به علت کسالت توفیق حضور در خدمت دوستان را نداشتیم. و ان‌شاءالله دوستان به ما ببخشند، اگر حقی از دوستان ضایع شده، می‌بخشید. یک چیزی را اینجا اوّل بحث خدمت شما عرض کنم. من در این ایام یک مقداری کسالت داشتم، ممکن است بعضی از دوستان برخورد مناسب نداشته باشم، اگر احیاناً حقی ضایع کرده باشم، بر ما ببخشند، اگر قابل استدراک هست دوستان مراجعه کنند ان‌شاءالله استدراک می‌شود.

بحث، بحث عدة وفات بود. در عدة وفات یکی از مسائلی که لازم هست بحث حداد هست. مرحوم سید فرمودند که واجب هست حداد، بعد توضیحاتی در این مطلب فرمودند. فرمودند: «و يدل على وجوب ترك الزينة الإجماع و الأخبار المستفيضة، نعم لا بأس بها مع الضرورة و عليها يحمل إطلاق الجواز في بعض الأخبار.»

جوازی که در بعض اخبار هست، عمدتاً یک روایت در مورد حداد هست، آن هم روایت عمار ساباطی هست. البته در بعضی از کلمات، فرمایش آقای خوانساری دو بحث با همدیگر بحث شده، یکی بحث جواز خروج از بیت در ایام عده، یکی بحث لزوم حداد، این دو تا را با هم بحث کردند. خوب بود این دو بحث از هم جدا بشود، ادله‌اش متفاوت است و به همدیگر خیلی ارتباط ندارند. آن که مربوط به بحث حداد هست، یک روایت هست که روایت عمار ساباطی است، موثقة عمار ساباطی هست.

موثقة عمار ساباطی اینجوری وارد شده،

«وَ عَنِ الْمَرْأَةِ يَمُوتُ عَنْهَا زَوْجُهَا هَلْ يَحِلُّ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مَنْزِلِهَا فِي عِدَّتِهَا قَالَ نَعَمْ وَ تَخْتَضِبَ وَ تَدَّهِنَ وَ تَكْتَحِلَ وَ تَمْتَشِطَ وَ تَصْبَغَ وَ تَلْبَسَ المصبّغ[[1]](#footnote-1) وَ تَصْنَعَ مَا شَاءَتْ لِغَيْرِ زِينَةٍ لزوج[[2]](#footnote-2).».

مرحوم حاج آقا تقی قمی در مبانی منهاج الصالحین می‌فرمایند و یستفاد من حدیث عمار عن ابی عبد الله علیه السلام، روایت را نقل می‌کنند، «جواز الزينة على الاطلاق.

و لا بد من حمله على بعض المحامل كالضرورة مثلا و لا يمكن ابقائه بحاله و الحال ان المسألة كأنها متفق عليها بين المسلمين قال الشيخ الطوسي في الخلاف «المتوفى عنها زوجها عليها الحداد طول العدة و به قال جميع الفقهاء و اهل العلم الا الشعبي و الحسن البصري فانهما قالا لا يلزمها الحداد في جميع العدة و انما يلزمها في بعض العدة».

فيظهر من هذا الكلام كما ترى انه لا خلاف من احد في اصل الحكم و انما خلافهما في مدته فلا ريب في الحكم المذكور و اللّه العالم»

آقای قمی خلاصه می‌فرمایند که در اصل این‌که باید در عده حداد صورت بگیرد اختلافی نیست، بحث سر این است که استیعاب شرط هست یا استیعاب شرط نیست. بنابراین نمی‌توانیم روایت‌هایی که به حداد تجویز کرده، نمی‌شود آنها را اخذ کرد، به دلیل این‌که مخالف اجماع مسلمین هست.

من عبارت خلاف را که آقای قمی آورده بودند، البته این‌که من یادداشت کردم، خلاف، جلد۵، صفحة ۷۲.

«مسألة 26: المتوفى عنها زوجها عليها الحداد طول العدة.»

طول المدة اینجا من یادداشت کردم. ایشان طول العدة نقل کرده بود، فرق ندارد، طول المدة همان طول العدة دیگر. این کل مدت عدة.

من مراجعه کردم به کتب اهل تسنن، دیدم در مغنی ابن قدامه به این شکل که مرحوم شیخ نقل کردند، نقل نکرده، مغنی ابن قدامه، جلد ۹، صفحة ۱۶۷، در شرح عبارت متن که توضیحی در مورد حداد داده، می‌گوید هذا یسمّی الاحداد لا نعلم بین اهل العلم خلافاً فی وجوبه علی المتوفی عنها زوجها الا عن الحسن و انه قال لا یجب الاحداد و هو قول شرّ به اهل العلم و خالف اهل السنة علی یعرج علیه.

در بدایة المجتهد، جلد ۴، صفحة ۳۷۷، از چاپ مجمع التقریب، عبارت این است.

اجمع المسلمون علی ان الاحداد واجب علی النساء الحرائر المسلمات فی عدة الوفات الا الحسن وحده.

صحبت سر قرض ۹:۱۵ مدته، و تمام مدته، تمام مدت و اینها ندارد. و به این شکل. اوّلاً یک تفاوتی بین مغنی ابن قدامه و بدایة المجتهد در خلاف هست. در خلاف شعبی را هم به حسن بصری اضافه کرده، در مغنی ابن قدامه و بدایة المجتهد شیبی را ندارد. آن هم به آن شکلی که مرحوم شیخ در خلاف نقل کرده، مطلب را نقل نکرده.

مراجعه کردم دیدم که این مطلبی که مرحوم شیخ دارند، فرصت نشد تمام کتب اهل تسنن را ببینم. ولی در کتاب‌هایشان این مطلب مرحوم شیخ هست.

در این کتاب حاوی الکبیر، حاوی ماوردی که شرح مختصر موذنی ۱۰:۳۱ هست، اینجا در بحث احداد که دارد، این شکلی دارد: فاما المعتد التی یجب الاحداد علیها فالمتوفی عنها زوجها و یجب الاحداد علیها قال جمیع الفقهاء الا ما حکی عن الحسن البصری و الشعبی. که این شعبی هم اینجا دارد. ان الاحداد غیر واجب علیها لما روی ان اسماء بنت اویس لما اتاها نعش زوجها جعفر بن ابی طالب قال له ان النبی صلی الله علیه (و آله) و سلم، آنجا و آله ندارد. تصلبی ثلاثا فدل الاختصاره علیه بناءً علی ثلاثة ایام ان ما عداها غیر واجب و الدلیل علی وجوبه فی العدة بعصرها ما رواه حمید بن نافع عن زینب بنت ابی سلمة و یدل ام سلمه، تا آخر عبارتی که آنجا نقل کرده.

این یک عبارت که از این استفاده می‌شود که شبیه، عبارت شیخ ازش استفاده می‌شود.

در محلای ابن هزم، نقلی که می‌کند یک تفاوت دیگری هم دارد. چاپ محمد علی بیزون ۱۲:۳۲ را مراجعه کردم، جلد ۱۰، صفحة ۶۹، بحث حداد را که می‌آورد، ابواب مختلف در مورد حداد را نقل می‌کند و خصوصیت حداد چی است، چه چیزی در حداد واجب هست، چه زینتی و خصوصیات زینت‌ها را نقل می‌کند، و صحبت‌هایی می‌کند که حالا به آنها کار ندارم، دارد و هاهنا قول آخر کما روینا عن طریق حماد بن سلمة عن حُمید ان الحسن البصری کان یقول المطلّق ثلاثاً او المتوفی عنها زوجها یکتهلان و یمتشتان و یطیّبان و یختضبان و ینتعلان و یضعان ما شاءتها و من طریق الشعبة عن الحکم بن العتیبه عن المتوفی عنها لا تَحُد (تُحِد) ۱۳:۳۳ قال ابو محمد. ابو محمد خود ابن هزم است، صاحب محلی.

و احتج اهل هذه المقالة بما معنای حدثنا فلان، سلسله سند نقل می‌کند. انّ رسول الله قال لنورة جعفر بن ابیطالب اذا کان ثلاثة ایام سلب فی ما شئت او اذا کان بعد ثلاثة ایام، تا آخر عبارتی که نقل می‌کند.

که بعد اشکالاتی به آن مطرح می‌کند و امثال اینها، که از آن استفاده می‌شود که در سه روز، بعد از سه روز هست که اجازة پوشیدن لباس داده شده. قبل از سه روز پوشیدن لباس مجاز نیست.

البته این مطلبی را که اینجا دارد، ولو مطلب، روشن می‌شود که عبارت شیخ طوسی از کجا ناشی می‌شود. ولی به نظر می‌رسد که آن حدادی که حسن بصری و شعبی واجب می‌دانند، آن حداد عده نیست، ۳ روز عزاداری کردن، آن را واجب دانستند، آن غیر از این حداد در طول مدت عده هست. نباید این بحث را به آنجا مطرح کرد. البته می‌شود این مطلب را مطرح کرد، خیلی مهم نیست، لازم نیست بحث را وابسته به این کرد که همة مسلمان‌ها حداد را لازم می‌دانند. همین‌که جمهور اعظم مسلمان‌ها حداد را لازم می‌دانند.

قبل از این‌که این مطلب را بگویم. روی این نکته تأکید عرض بکنم که عبارت محلای ابن هزم را ملاحظه فرمودید، ابن عتیبه را هم ایشان ذکر می‌کند. در واقع سه نفر مجموعاً از این کتاب‌هایی که من نقل کردم در آمدند که حداد را لازم نمی‌دانند. یکی شعبی، یکی حسن بصری، یکی حکم بن عتیبه.

این حکم بن عتیبه جالب است، حکم بن عتیبه، بعدا در همین محلای ابن هزم در بحث طلاق که می‌رسد در طلاق حداد را لازم می‌داند. می‌گوید حکم بن عتیبه طلاق را از وفات مهم‌تر می‌داند. در وفات حداد را لازم نمی‌داند، ولی در طلاق حداد را لازم می‌داند.

علی ای تقدیر آن چیزی که این وسط مهم هست، لازم نیست که به آن شکلی که مرحوم آقای قمی مطرح می‌کنند که حداد، اصلش مسلم هست، در مقدارش بحث هست. نه، اصل حداد هم به آن معنا حداد در عدة وفات، به آن معنا مسلم نیست. بعضی حداد را لازم نمی‌دانند. آن یک چیز دیگر است، این‌که ۳ روز عزاداری کردن واجب باشد، آن هم عزاداری خاصی که لباس تیره پوشیدن، آن روایاتی هم که نقل می‌کنند، روایات در مورد لباس عزا پوشیدن است، نه مطلق حداد و ترک زینت. ولی علی ای تقدیر آن نکته‌ای اینجا هست، مطلبی که تقریباً مجمع علیه هست بین مسلمین، با یک روایت عمار ساباطی ما روایت عمار ساباطی نمی‌تواند رد این مطلب کالمجمع علیه باشد و قابل اعتنا نیست به این روایت.

در جلسة بعد بیشتر راجع به این صحبت خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان

1. الصِّبْغَ، (نسخه نرم افزار جامع فقه) [↑](#footnote-ref-1)
2. مِنْ زَوْجٍ (نسخه نرم افزار جامع فقه) [↑](#footnote-ref-2)